

بررسی پرونده اختلاف های مادرشوهر و عروس هایی که رنگ خون گرفت

عروس آتش

دعای بین عروس و

مادرشوهر

از آن دست جنجال هایی است

که از قدیم وجود داشته است

و البته هنوز هم شاهد آن

هستیم. هم برخی عروس هادل پری از

مادرشوهرهایشان دارند، هم بعضی

مادرشوهرها چشم دیدن عروس شان را ندارند.

اغلب اوقات کشمکش های میان مادرشوهرها

و عروس هادر حد جدال لفظی و تکه پرانی علنی

یا مخفی باقی می ماند و در همان حد هم تمام

می شود، اما گاهی اوقات این رابطه شکل بسیار

خشن تری به خود می گیرد و برخی عروس هادر

مواجهه با رفتارهای مادرشوهرشان، عنان و

تحمل از کف می دهند و در تصمیمی از پیش

تعیین شده یا حتی ناگهانی، اقدام به قتل

مادرشوهر خود می کنند.

لیلا حسین زاده

تیش

تصمیم خونین کبری

یکی از معروف ترین پرونده ها در این باره، قتل مادرشوهر توسط کبری عروس اوست. آن زمان، رسانه ها به او لقب عروس سیاه بخت را دادند که خیلی هم بیراه نبود. پرونده او، یکی از کش دارترین و جنجالی ترین پرونده های قتل بود که خواننده های زیادی هم ماجرا را دنبال می کردند تا بدانند تازه عروس قاتل اعدام می شود یا نه. کبری درست زمانی مرتکب قتل شد که فقط ۱۹ سالش بود. او دختر یک خانواده فقیر بود و وقتی شوهرش به خواستگاری اش آمد که با او اختلاف سنی بسیار زیادی داشت، به خاطر همین اختلاف سن،

پدر و مادرش با این ازدواج مخالف بودند، اما کبری با وجود مخالفت ها، به دلیل مشکلاتی که خانواده اش با آنها مواجه بود، تن به این ازدواج داد تا باری از دوش آنها بردارد. کبری خود را برای زندگی مشترک آماده کرده بود، اما سرنوشت، تقدیر دیگری برایش رقم زده بود. یکشنبه پنجم آبان ماه ۷۹، وقتی کبری به خانه مادرشوهر ۷۵ ساله اش رفت، با یکدیگر درگیری لفظی پیدا کردند. در میان درگیری، کبری با چاقو چند ضربه به پیرزن زد که باعث مرگ او شد. با فاش شدن این جنایت، کبری دستگیر و به زندان رفت. طی این مدت، کبری بارها به درخواست اولیای دم پای چوبه دار رفت، اما هربار موفق شد مهلت بگیرد. این کشمکش ها ۱۳ سال طول کشید و در نهایت پس از ۱۳ سال و با پرداخت دیه از زندان آزاد شد.



عروس های قاتل

در حالی

بر اثر عصبانیت

جنایت های تلخی را

رقم زدند که

با گذشت اولیای دم

توانستند دوباره

به زندگی باز گردند



مادرشوهر قربانی

رابطه شیطانی

در ماجرای دیگری از پرونده های مادرشوهرکشی، این بار هم یک زن ۶۵ ساله به دست عروس خود به قتل رسید. ماجرا در سال ۸۹ با ناپدید شدن پیرزن در قزوین

آغاز شد و کارآگاهان در خلال تحقیقات خود به عروس این زن ظنین شدند و از او بازجویی کردند. عروس جوان به سبک و سیاق بسیاری از مجرمان و قاتلان، ابتدا از در انکار وارد شد و گفت هیچ خبری از مادرشوهرش ندارد، اما وقتی متوجه شد پلیس به رابطه شیطانی او با مرد دیگری پی برده است، لب به اعتراف گشود و به جنایت اعتراف کرد و گفت مدتی با مردی رابطه پنهانی داشته است. یک روز که آن مرد به خانه اش آمده بود، مادرشوهرش متوجه رابطه او با مرد غریبه می شود. زن جوان که به شدت ترسیده بود، با همکاری مرد غریبه، پیرزن را ابتدا به بیرون از خانه کشاند و پس از بردن او به یک منطقه بیابانی در منطقه مرزداران، پیرزن را خفه کردند و سپس جسدش را داخل چاه انداختند.



جنایت به بهانه دخالت

در پرونده ای دیگر، کشف جسد پتویچ شده ای در ۲۸ اسفند ۹۲، پلیس را با یک معمای جنایی دیگر روبه رو کرد. جسد متعلق به زن ۷۴ ساله ای بود که فرزنداناش دوروز قبل از کشف جنازه اش، پلیس را در جریان گم شدنش قرار داده بودند. پلیس تحقیق از اولیای دم را آغاز و در ادامه متوجه وجود اختلافات عمیق میان مقتول و عروسش شد. عروس جوان در همان بازجویی های ابتدایی به قتل مادرشوهرش اعتراف کرد و گفت: من و

شوهرم چون در یک واحد زندگی می کردیم، مادرشوهرم دائم در زندگی مان دخالت می کرد. برای همین از شوهرم خواستم خانه دیگری اجاره کند. شوهرم قبول کرد و به جای دیگری رفتیم، اما روز حادثه مادرشوهرم آمد و گفت اجازه نمی دهد خانه را اجاره بدهیم. در خانه درگیر شدیم و با میله آهنی ضربه ای به سر او زدم. سپس با وکیلی که یک سال سیغه اش بودم تماس گرفتم و از او خواستم در نابودی جسد مادرشوهرم کمک کند. وقتی آمد می خواست به پلیس زنگ بزند که مانعش شدم. سپس با کمک چند کارگر جسد مادرشوهرم را در وانت گذاشتیم و همان وکیل جسد را با کمک کارگران به دماوند برد و آنجا انداخت. با ثبت اعتراضات متهم و همدست او، عروس جنایتکار به قصاص نفس و همدستش به جرم اختفای جسد به تحمل حبس محکوم شد. زمانی که عروس قاتل پای چوبه دار رفت، اولیای دم به خاطر رضای خدا او را بخشیدند.

